

استعاره دستوری به‌مثابه تنوع نحوی از منظر دستور نقشگرای نظام‌مند

* ابراهیم رضاپور

** علی عربانی دانا

چکیده

هلیدی (۱۹۸۷: ۱۷۳) بازنمایی استعاری را به‌مثابه گونه‌های استعاری در نظر گرفته است که با نظریه تنوع (تنوع آوایی، واجی، واژگانی، صرفی و نحوی) از منظر لباو (۱۹۶۹) مرتبط هستند. بر اساس تعریف هلیدی، هر یک از گونه‌ها برحسب بازنمایی متناوب یک عنصر در لایه بالاتر قابل توصیف است. گونه‌های صرفی، واژی و نحوی بازنمایی متناوب معنای واحد در سطح واژگان-دستور هستند. در پژوهش حاضر صورت‌های متجانس و استعاری در گفتار گویشوران زبان فارسی مورد بررسی قرار گرفته است. تعداد آزمودنی‌ها جمعاً ۴۷ نفر هستند که بر اساس متغیرهای جنسیت، تحصیلات و طبقه اجتماعی انتخاب شده‌اند. پرسش‌های پژوهش عبارت است از: (۱) چه تأثیراتی متغیرهای اجتماعی از جمله جنسیت، تحصیلات و طبقه اجتماعی بر کاربرد صورت‌های متجانس و استعاری دارند؟ (۲) تأثیر هر یک از متغیرهای اجتماعی از جمله جنسیت، تحصیلات و طبقه اجتماعی بر کاربرد صورت‌های استعاری و جهت، اسم‌سازی و گذرایی چگونه است؟ داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که متغیر جنسیت بر کاربرد صورت‌های متجانس و استعاری و همچنین کاربرد انواع استعاره دستوری گذرایی، جهت و اسم‌سازی تأثیر ندارد. اما متغیرهای تحصیلات و طبقه اجتماعی تأثیر زیادی در کاربرد صورت‌های استعاری و متجانس و همچنین در کاربرد انواع استعاری دستوری (بجز عدم تأثیر جنسیت بر استعاره دستوری گذرایی) در گفتار گویشوران زبان فارسی دارند. پدیده قابل ملاحظه در پژوهش حاضر تصحیح افراطی آماری است. طبقه متوسط (بر اساس تقسیم‌بندی طبقات اجتماعی به سه گروه پایین، متوسط و بالا) نسبت به طبقات بالا و پایین بسیار بیشتر از استعاره دستوری استفاده کرده است و در حقیقت طبقه متوسط در کاربرد استعاره دستوری در تقلید از طبقه بالا با بسامدی بیش از بسامد طبیعی آن در گفتار طبقه مورد تقلید خود عمل کرده است که این پدیده تصحیح افراطی آماری نامیده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: استعاره دستوری، تنوع نحوی، جنسیت، تحصیلات، طبقه اجتماعی

۱. مقدمه

استعاره در دیدگاه سنتی به مثابه تنوع در کاربرد واژه‌ها و نیز تنوع در معناست: در این حالت گفته می‌شود که واژه‌ای با معنای استعاری مورد استفاده قرار می‌گیرد (هلیدی^۱، ۱۹۸۵: ۳۲۱). از این منظر، واژه‌ای با معنای لفظی معینی می‌تواند دارای معانی و یا کاربردهای استعاری باشد. بر اساس سه نوع منظر کلی که در دستور نقش‌گرایی نظام‌مند وجود دارد (هلیدی، ۱۹۹۶: ۱۶)، چنین دیدگاهی درباره معنای استعاری واژه در حقیقت نگاه از پایین^۲ است یعنی در نظر گرفتن واژه‌ها به مثابه نقطه شروع و سپس بیان چیزی درباره معانی واژه‌هاست. چنین نگاهی به استعاره می‌تواند با نگاه از بالا^۳ تکمیل شود. از این منظر نقطه شروع معنای خاص و پرسش مرتبط با آن است: روش‌های متفاوت بازنمایی معنا کدام است؟ از این زاویه استعاره به مثابه تنوع در بیان معانی در نظر گرفته می‌شود و از طریق نگاه از بالا می‌توان دریافت که انتخاب واژگانی یکی از جنبه‌های انتخاب واژگان-دستور یا واژه‌پردازی^۴ است و تنوع استعاری واژگانی-دستوری و نه صرفاً واژگانی است (هلیدی، ۱۹۹۴/۱۹۸۵: ۳۴۲). همان‌طوری که هلیدی اشاره کرده است، مشخصه اصلی نگاه از بالا توصیف استعاره به مثابه تنوع در بازنمایی معنای مورد نظر و نه تنوع در معنای عبارت مورد نظر است. چنین دیدگاهی در زمینه استعاره دستوری دارای پیامدهای مهمی است: (۱) آنچه که در بحث استعاره دستوری مورد مقایسه قرار گرفته است، صورت‌های دستوری متفاوت است، در حالی که از منظر سنتی تأکید روی معانی واژه واحد است. چنین مشخصه‌ای دقیقاً در تنوع دستوری مطرح شده است که می‌تواند بر حسب استعاره تفسیر شود. (۲) انواع مختلف ترکیب‌ها می‌تواند به مثابه بازنمایی‌های معنای یکسان در نظر گرفته شود. در حالی که از منظر سنتی تقابل ساده‌ای بین صورت‌های لفظی و استعاری وجود دارد، در بحث استعاره دستوری درجاتی از تجانس^۵ وجود دارد: برخی عبارات بازنمایی‌های اصلی معنای مورد نظر محسوب می‌شوند که صورت متجانس نامیده می‌شود و صورت‌های دیگر در مقایسه با بازنمایی‌های متجانس کم و بیش نامتجانس محسوب می‌شوند (تاورنیرز^۶، ۲۰۰۳: ۷).

در سال‌های اخیر مطالعات گسترده‌ای در زمینه کاربرد استعاره دستوری در گفتمان‌های مختلف صورت گرفته است که از جمله می‌توان به پژوهش‌هایی نظیر مبارکی (۱۳۹۱) با عنوان استعاره دستوری در متون علمی و ادبی، احمدی (۱۳۹۳) با عنوان تحلیل گفتمان انتقادی استعاره دستوری اسم‌سازی و وجهیت در گفتمان سیاسی فارسی و انگلیسی: رویکرد ون دایک، چاوشی (۱۳۹۰) با عنوان کارکرد استعاره دستوری در زبان علم و رضاپور (۱۳۹۴) با عنوان تحلیل انتقادی استعاره دستوری در گفتمان سیاسی روزنامه‌های داخلی اشاره کرد. اما تاکنون پژوهش‌هایی در زمینه استعاره دستوری از منظر جامعه‌شناسی زبان از جمله تأثیر عوامل اجتماعی نظیر جنسیت، تحصیلات، طبقه اجتماعی و غیره بر تنوعات نحوی در زمینه استعاره دستوری صورت نگرفته است. در این پژوهش سعی می‌شود تا تأثیر متغیرهای اجتماعی طبقه اجتماعی، جنسیت و تحصیلات بر تنوعات نحوی ناشی از کاربرد صورت‌های متجانس^۷ و استعاری در گفتار گویشوران زبان فارسی مورد بررسی قرار گیرد. به عبارت دیگر پرسش اصلی پژوهش این است که:

¹ M. A. K. Halliday

² view from below

³ view from above

⁴ wording

⁵ scale of congruency

⁶ M. Taverniers

⁷ congruent

۱) متغیرهای اجتماعی از جمله جنسیت، تحصیلات و طبقه اجتماعی چه تأثیراتی بر کاربرد صورت‌های متجانس و استعاری دارند؟ و ۲) تأثیر هر یک از متغیرهای اجتماعی از جمله جنسیت، تحصیلات و طبقه اجتماعی بر کاربرد صورت‌های استعاری و جهت، اسم‌سازی و گذرایی^۱ چگونه است؟

۲. استعاره دستوری از منظر دستور نقشگرایی نظام‌مند

هلیدی (۱۹۸۵: ۳۲۰) معتقد است که انتخاب واژگان فقط یکی از جنبه‌های انتخاب در سطح واژگان-دستور^۲ (واژه‌پردازی) است و تنوع استعاری واژگانی-دستوری و نه صرفاً واژگانی است. مقوله‌بندی آغازین تجربه نوعی فرایند استعاری است زیرا مقوله‌بندی شامل تغییر و تبدیل مفاهیم مادی به نشانه‌شناختی است و کاربرد اصطلاح استعاره به معنای اصلی و کانونی آن یعنی تغییر و تحول در شیوه بیان نشانه‌شناختی است (هلیدی، ۱۹۹۸: ۱۹۰-۱۹۱). راولی (۱۹۸۵: ۳) معتقد است که هر انتخاب معناشناختی ممکن است دو یا چند بازنمایی واژگان دستوری داشته باشد و همچنین راولی (۱۹۸۵: ۵۵) معتقد است که استعاره دستوری به مثابه بازنمایی متناوب در سطح واژگان-دستور یک انتخاب معنایی است. هلیدی (۱۹۸۸: ۱۹۰) معتقد است بخاطر لایه‌ای بودن، دستور قدرت بازنمایی را دارد، بنابراین دستور می‌تواند بازنمایی را انجام ندهد و یا بازنمایی دوباره در طول مسیر مختلف داشته باشد. دستور به مثابه یک نظام لایه‌ای قدرت استعاری ذاتی دارد. استعاره دستوری انطباق دوباره بین لایه‌های جفتی است و هیچ استعاره‌ای بدون لایه‌ای بودن وجود ندارد و وقتی سطح معنا لایه‌بندی شد، چنین تغییر و تحولی به‌طور خودکار امکان‌پذیر می‌شود (هلیدی، ۱۹۸۸: ۱۹۲).

استعاره‌های دستوری از مولفه‌های اساسی کارآیی زبانی است که بر اساس یکپارچگی و تراکم چندین واژه در ذهن شکل می‌گیرد، به‌طوری که در واقع کل ساخت به صورت یک واحد اسمی تجلی می‌یابد. دستور نقشگرایی نظام‌مند استعاره را به مثابه تنوع در بیان معنا در نظر می‌گیرد و نه فقط تنوع در کاربرد واژه‌ها. تفاوت در پیام نوعی تنوع معنایی است که هلیدی (۱۹۹۴) آن را استعاره دستوری نامیده است. هلیدی (۱۹۹۴: ۱۴) مفهوم متجانس را این گونه تعریف کرده است: بازنمایی متجانس نوع خاصی از بازنمایی است که به مثابه نمونه اعلاء در نظر گرفته می‌شود و در برخی موارد به دلایل خاص نقشی گونه‌های دیگر انتخاب می‌شود. بازنمایی متجانس نوعی بازنمایی بی‌نشان است. راولی (۱۹۹۹: ۷۷) بازسازی استعاره دستوری به صورت عبارت متجانس را بازچینش و گسترده‌گی استعاره دستوری نامیده است. استعاره تنوع در بیان معانی است و در استعاره واژگانی که از لایه‌های پایین دستور (واجشناسی) به آن نگریسته می‌شود، شاهد یک صورت لفظ و دو معنای لفظی و استعاری هستیم. اما در استعاره نقشگرایی از بالای لایه‌بندی دستور یعنی معنا به آن نگریسته می‌شود که شاهد یک لایه معنایی و دو صورت متجانس و استعاری هستیم (هلیدی، ۱۹۹۴: ۳۴۲).

۳. انواع استعاره دستوری

دو نوع اصلی استعاره دستوری در بند وجود دارد: استعاره‌های وجه (از جمله وجهیت) و استعاره‌های گذرایی. این دو نوع استعاره بر حسب انگاره نقش‌های معنایی به ترتیب استعاره‌های بینافردی و اندیشگانی نامیده می‌شوند (هلیدی، ۱۹۹۴: ۳۴۳).

۳-۱. استعاره دستوری اندیشگانی

¹ modality, nominalization and transitivity

² lexicogrammar

استعاره‌گذاری حاصل تغییر فرایندها در یک بند است و ممکن است فرایندهای متفاوتی در یک بند به کار روند که در حقیقت بازنمایی‌های متفاوتی از معنا را خواهیم داشت و این بازنمایی‌های استعاری مترادف و همانند نیستند؛ بلکه رمزگذاری‌های متفاوت هستند که معنای کلی بند را دگرگون می‌سازند. اما با وجود این، آنها مجموعه‌ای از گونه‌های استعاری معنای اندیشگانی هستند (هلیدی، ۱۹۹۴: ۳۴۴). در حقیقت نوع فرایند در صورت‌های استعاری نسبت به صورت متجانس تغییر می‌کند، مثلاً صورت استعاری بندی مانند «مبنا به آسمان نگاه کرد» به صورت «مبنا به آسمان چشم دوخت» تغییر پیدا می‌کند که فرایند «نگاه کردن» در صورت متجانس از نوع رفتاری و اما در صورت استعاری فرایند «چشم دوختن» از نوع مادی است. اسم‌سازی منبع قوی برای تولید استعاره‌های دستوری است (هلیدی، ۱۹۹۴: ۳۵۲). استعاره اسم‌سازی یکی از ویژگی‌های اصلی در سطح واژگان-دستور است که در زبان دانشگاهی کاربرد دارد. این استعاره به مثابه منابع زبانی است که اطلاعات را از طریق بیان مفاهیم به صورت نامتجانس متراکم می‌سازد و با بیان غیرشخصی، انتزاعی و پوشیدگی پیام مرتبط بوده و نشانه اعتبار و قدرت است (هلیدی، ۱۹۹۸). کارکردهای اصلی استعاره اسم‌سازی عبارت است از: برجسته‌سازی نقاط قوت خودی‌ها، برجسته‌سازی نقاط ضعف غیرخودی‌ها، پنهان‌سازی ایدئولوژی‌ها و پوشیدگی پیام، ایجاد انسجام و پیوستگی معنایی، متراکم‌سازی اطلاعات و به تبع آن پیچیدگی پیام، تخصصی‌تر کردن متون سیاسی و به تبع آن محدود کردن مخاطبان، تغییر توزیع آغازگر و پایان‌بخش و اطلاع‌کهنه و نو و برجستگی عناصر در بند است (رضاپور، ۱۳۹۴: ۶۲).

استعاره اسم‌سازی ابتدا که در سیاق‌های علمی و فنی بکار رفته است دارای نقش دوگانه است: ساخت سلسله مراتب اصطلاحات فنی و توسعه موضوع مرحله به مرحله و استفاده از عبارت‌های پیچیده به صورت اسمی در جایگاه مبتدا. بیان استعاری ظرفیت معنایی بیشتری را داراست که این ظرفیت در شیوه بیان متجانس و غیراستعاری وجود ندارد. اهمیت استعاره دستوری اندیشگانی در بسط و گسترش فراتر از فرانش اندیشگانی است به طوری که فرانش‌های متنی و بینافردی را در برمی‌گیرد و تأثیرات متنی و بینافردی استعاره اندیشگانی بخاطر این است که انطباق مجدد الگوهای اندیشگانی در حقیقت انطباق دوباره محیط‌های متنی و بینافردی را به همراه دارد و موجب می‌شود چنین الگوهایی در سطوح متنی و بینافردی عمل کند (هلیدی و متیسن^۱، ۲۰۰۴: ۶۴۲).

تأثیرات استعاره اندیشگانی در دوسطح متنی و بینافردی عبارت است از: (۱) تأثیرات متنی: وقتی توالی سازه‌ها به لحاظ استعاری از طریق بند بازنمایی می‌شود؛ این بدین معناست که نه تنها توالی سازه‌ها با الگوهای گذرای بند (فرانش اندیشگانی) همپوشی دارد، بلکه آن توالی در حوزه ساختار آغازگر+ پایان بخش بند و در حوزه ساختار اطلاع کهنه + نو واحد اطلاع (فرانش متنی) قرار می‌گیرد. استعاره دستوری اندیشگانی راهبردی است که ما را قادر می‌سازد تا تجربه‌مان را از جهان تغییر دهیم. استعاره اندیشگانی منبع قوی برای مدیریت تولید متن و ایجاد همپوشی‌های جدید بین معانی اندیشگانی و متنی است و (۲) تأثیرات بینافردی: همچنین این نوع استعاره منبع قوی بینافردی برای سازماندهی تبادل همزمان معنا و ایجاد همپوشی‌های جدید بین معانی اندیشگانی و بینافردی محسوب می‌شود (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۶۴۶). استعاره بینافردی سعی می‌کند تا معانی بینافردی را از طریق تغییر در بازنمایی وجه و وجهیت و همچنین افزودن بند وجهیت (به عنوان مثال، احتمال می‌رود که مبنا از سفر برگشته باشد، شایسته است که آحاد جامعه به محیط زیست

¹ C. M. I. M. Matthiessen

احترام بگذارند) گسترش دهد اما گرایش کلی استعاره اندیشگانی بر عکس استعاره بینافردی است و در استعاره اندیشگانی حوزه بازنمایی دستوری توالی معنایی را از سطح بند مرکب به بند ساده، از بند به گروه و حتی از گروه به سطح واژه تنزل مرتبه می‌دهد. هلیدی (۱۹۸۵: ۳۲۸-۱۹۹۴/۱۹۸۵: ۳۴۹) معتقد است که استعاره دستوری اندیشگانی (گذرایی) در همه انواع گفتمان بزرگسالان وجود دارد و تجانس کامل و عدم تجانس کامل نادر هستند. تاورنیرز (۲۰۰۳: ۱۵) معتقد است که گوینده می‌تواند از صورت زبانی نامتجانس استفاده کند. کاربرد نامتجانس زبان معنی‌دار است؛ زیرا باعث برجسته‌سازی بخشی از پیام می‌شود.

۲-۳. استعاره دستوری بینافردی

هلیدی (۱۹۹۴) وجهیت را جزیی از استعاره دستوری وجه در نظر گرفته است. بر طبق نظر هلیدی، استعاره وجه دارای حداقل دو ویژگی اصلی است که به هم مرتبط هستند. اول، این استعاره‌ها بر پایه رابطه بین مقولات نقشی گفتاری خبری، پرسشی، امری و پیشنهاد از یک طرف و بیان این مقولات از طریق انواع مختلف وجه از سوی دیگر است و دوم این که، تمایز بین تبادل اطلاعات^۱ و مبادله کالا و خدمات^۲ نقش مهمی در تشخیص و تعریف استعاره‌های وجه دارند؛ زیرا در تبادل اطلاعات دو نقش اصلی گفتار شامل خبر و پرسش و در تبادل کالا و خدمات دو نقش اصلی گفتار شامل پیشنهاد و دستور دخیل هستند و در حقیقت وجه بازنمایی‌کننده نقش‌های گفتاری است (هلیدی، ۱۹۹۴: ۳۶۳). بنابراین، وجه خبری و پرسشی مربوط به تبادل اطلاعات و وجه امری مربوط به تبادل کالا و خدمات هستند. هلیدی در زمینه استعارات وجهیت مدعی شده است که معانی وجهی به صورت متجانس از طریق عناصر وجهی در بند از جمله عملگرها و افزوده‌های وجهی بیان می‌شوند. استعاره‌های وجهیت از الگوی متجانس فاصله گرفته و معنای وجهی خارج از گزاره بازنمایی می‌شود که وظیفه این جمله وجهی ارزیابی گزاره از منظر گوینده است و این بازنمایی در دو نوع ساخت فرافکنی فرایندهای ذهنی و فرایندهای رابطه‌ای میسر می‌گردد. با وجود این که بندهای استعاری وجهیت بند اصلی محسوب می‌شوند، اما اطلاعات اصلی توسط بند پیرو (گزاره) در گفتگو جریان پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، بند وجهیت به عنوان بند اصلی وظیفه بازنمایی نگرش گوینده را نسبت به وقوع گزاره (بند پیرو) ایفا می‌کند و در واقع بند وجهیت در صورت استعاری جایگزین افزوده وجه در صورت متجانس می‌شود. کارکردهای اصلی استعاره وجهیت در متون سیاسی عینیت‌سازی ایدئولوژی‌ها، بیان نگرش نویسنده و میزان قطعیت وقوع گزاره و برجسته‌سازی ایدئولوژی‌هاست (رضاپور، ۱۳۹۴: ۶۲). خو^۳ (۲۰۰۹: ۱۱۸) معتقد است که در جهت‌گیری مستقیم، بندهای بیان‌کننده وجهیت برای بیان فرایند روانشناختی به کار می‌روند تا دیدگاه‌های مستقیم گوینده را برجسته سازند و گوینده در برابر قضاوت و پیشنهاد مسئول است؛ در حالی که در جهت‌گیری غیرمستقیم، چنین بندهایی برای بیان فرایندهای رابطه‌ای بکار می‌روند و دیدگاه‌های گوینده کم‌رنگ می‌شود و گوینده هیچ مسئولیتی در قبال قضاوت‌ها ندارد. تاورنیرز (۲۰۰۴: ۱۹) معتقد است که استعاره‌های وجهیت متفاوت از وجه است؛ زیرا معنای وجهی خارج از عناصر وجه گزاره بازنمایی می‌شود. در استعاره دستوری بینافردی، عنصر فراگزاره‌ای (فرافکنی فرایند و ساخت رابطه‌ای) بر گزاره و زمینه گستره

¹ exchange of information

² exchange of goods and services

³ J. Xu

دارد. نکته مهم این است که گزاره هم دارای عناصر گستره‌ای خاص خود (فاعل و زمانداری) و زمینه است و عنصر مجزا در استعاره‌های وجهیت گستره و زمینه ثانویه را برای گزاره فراهم می‌سازد.

۴. استعاره دستوری به مثابه تنوع نحوی

هلیدی (۱۹۷۸: ۱۷۵) در زمینه بازنمایی استعاری به مثابه تنوع اشاره کرده است که نمی‌توان به صراحت درباره همانندی و تشابه معنای استعاری و معنای صورت‌های روزمره تصمیم‌گیری دقیقی اتخاذ کرد. اما به صراحت می‌توان گفت که تمام صورت‌های استعاری در واقع گونه‌های استعاری محسوب می‌شوند؛ زیرا ارتباط صورت‌های استعاره دستوری با نظریه تنوع^۱ از اهمیت زیادی برخوردار است و آنچه که مهم است استعاری بودن آنهاست. به عبارت دیگر، ارتباط بین استعاره دستوری و تنوع نحوی باعث پرننگ شدن نقش بافت اجتماعی و فرهنگی در انتخاب صورت‌های متجانس و استعاری در سطح واژگان- دستور می‌شود. اصطلاح گونه‌ها^۲ در نظریه تنوع لباو (۱۹۶۹) به کار رفته است که به معنای روش‌های متناوب بازنمایی معنای یکسان است. هلیدی اشاره کرده است که هر یک از این انواع گونه‌های استعاری به صورت کلی بازنمایی متناوب یک عنصر در لایه بعدی و یا بالاتر می‌باشد. گونه‌های صرفی، واژی و نحوی بازنمایی‌های متناوب واژگان- دستوری معنای یکسان هستند و گونه‌های واجی بازنمایی‌های متناوب واژه یکسان (و بنابراین معنای یکسان) هستند. به طور کلی با فرض لایه معنایی به عنوان بالاترین لایه در نظام زبانی، تمام مجموعه‌های گونه‌ها دارای ویژگی مشابه به لحاظ معنایی و برخی دارای ویژگی مشابه به لحاظ واژگان دستور نیز هستند و این روش کلی برای درک گونه‌هاست (هلیدی، ۱۹۷۸: ۱۷۳).

هلیدی (۱۹۷۸: ۱۷۷) علاوه بر گونه‌های متغیر واجی، صرفی و نحوی، گونه‌های متغیر معنایی را نیز معرفی کرده است. گونه‌های معنایی عنصر یکسان را در لایه بافت فرهنگی بازنمایی می‌کنند و آنها در سطح بالاتر یعنی سطح فرهنگی به مثابه نظام اطلاعات با هم تلفیق می‌شوند. گونه‌های متغیر به مثابه استعاره‌های واجی، استعاره‌های دستوری (صرفی)، واژگانی و نحوی و استعاره‌های معنایی نامیده می‌شوند.

هلیدی (۱۹۸۵: ۲۰) معتقد است که برای هر ترکیب معنایی یک عبارت متجانس و مجموعه‌ای از گونه‌های استعاری عبارات نامتجانس هم وجود دارد. تنوع یا بیان نامتجانس به مثابه انتخاب واژگان است که متفاوت از صورت اصلی یا بی‌نشان است. تنوع در استعاره دستوری بر اساس شباهت معنا بین صورت دستوری طبیعی و صورت دستوری نامتجانس است. هلیدی (۱۹۸۵: ۳۲۰، ۱۹۸۵/۱۹۹۴: ۳۴۲) درباره استعاره دستوری اشاره کرد که یک عنصر دستوری قوی در انتقال معنای بلاغی نقش ایفا می‌کند و با پذیرش چنین ادعایی می‌توان دریافت که عنصر دیگری تحت عنوان استعاره دستوری وجود دارد که تنوع در آن اساساً در صورت‌های دستوری وجود دارد، با وجودی که تضمین‌کننده تنوع واژگانی نیز هست. همچنین هلیدی (۱۹۸۵: ۳۲۱) معتقد است که تنوع بین عبارات متفاوت دارای معنای یکسان بر حسب نشاننداری^۳ تعریف می‌شود: صورت‌های معینی به مثابه عبارات بی‌نشان دارای معنای مفروض در نظر گرفته می‌شوند و با روش‌های پیش‌نمونه بیان عناصر همسو هستند. این صورت‌ها گونه‌های غیراستعاری هستند که بازنمایی‌های متجانس^۴ نامیده

¹ variation theory

² variants

³ markedness

⁴ congruent realizations

می‌شوند. دستور نقشگرایی نظام‌مند استعاره را به مثابه تنوعاتی در بیان معنا و نه فقط تنوعات در کاربرد واژه‌ها تعریف می‌کند. تفاوت در پیام نوعی تنوع معنایی است که هلیدی (۱۹۹۴) آن را استعاره دستوری نامیده است (توحین^۱، ۲۰۱۱: ۴). تاورنیرز (۲۰۰۳: ۱۲) در زمینه استعاره دستوری اشاره کرد که استعاره دستوری در حقیقت صورت‌های دستوری متنوعی هستند که بازنمایی‌کننده معنای واحد در نظر گرفته می‌شوند. استعاره دستوری بر روی پیوستار تجانس قرار می‌گیرد و در حقیقت شاهد درجاتی از تجانس در تحلیل صورت‌های استعاری هستیم. رومرو و سوریا^۲ (۲۰۰۳: ۲۰) معتقدند که استعاره دستوری به مثابه بازنمایی صرفی - نحوی نشاندار یک ترکیب معنایی است و می‌توان استعاره دستوری را نمونه‌هایی از تنوعات صرفی - نحوی نشاندار در نظر گرفت. نکته لازم ذکر این است که منظور از معنای یکسان در تعریف متغیرهای استعاری معنای معناشناختی و نه معنای کاربردشناختی و گفتمانی است. به عبارت دیگر، متغیر نحوی بدین معناست که معنای معناشناختی یکسان توسط صورت‌های مختلف نحوی بازنمایی می‌شود. چنین بحثی را هلیدی در زمینه ارتباط استعاره دستوری با نظریه تنوع لباو مطرح کرد. لباو (۱۹۶۹: ۷۳۸) با معرفی قاعده متغیر^۳ معتقد است که قاعده متغیر به صورت $Q = 1 - K_0$ است و K_0 درونداد متغیر است که باعث محدودیت کاربرد قاعده می‌شود. درونداد متغیر تحت حاکمیت عوامل فرازبانی نظیر سبک بافتی، طبقه اجتماعی - اقتصادی، جنسیت و گروه نژادی است. قواعد متغیر به اصول کلی و مهم قابل تبیین بودن بستگی دارند که در تحلیل رفتار زبانی مورد نیاز است: هر صورت متغیر (عضوی از مجموعه روش‌های متناوب برای بیان یک چیز یکسان) باید متناسب با مواردی گزارش شود که آن متغیر در محیط مرتبط در مقایسه با تعداد کل موارد قابل پیش‌بینی بکار رفته در نحو دارند.

۵. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحلیلی - تبیینی است و روش پژوهش از منظر ماهیت و روش از نوع ارزیابی همبستگی بین متغیرهای اجتماعی و زبانی است. روش گردآوری اطلاعات از طریق پژوهش‌های میدانی و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه است. پرسشنامه‌ای حاوی پرسش‌های متفاوت در زمینه کاربرد استعاره‌های دستوری اسم سازی، گذرایی و وجهیت در گفتار گویشوران زبان فارسی است. از آن جایی که گویشوران زبان فارسی بر اساس دستور نقشگرایی نظام‌مند از انتخاب‌های معنایی متعددی در ذهن برخوردارند و هر یک از گویشوران ممکن است از ابزارهای واژگانی - دستوری متعددی برای بازنمایی معنای مورد نظر استفاده کنند. بنابراین، بر اساس مبانی نظری هلیدی (۱۹۸۵) در زمینه نقش استعاره دستوری در تنوع دستوری در گفتار و نوشتار و همچنین ارتباط چنین تنوعات دستوری با نظریه تنوع لباو (۱۹۶۹) پرسشنامه طراحی شده است. پرسش‌ها طوری طراحی شده‌اند که گویشوران می‌توانند از صورت متجانس و یا صورت استعاری در پاسخ هر یک از پرسش‌ها استفاده نمایند. از منظر نظریه تنوع لباو (۱۹۶۹) متغیرهای اجتماعی از جمله جنسیت، تحصیلات، طبقه اجتماعی، سن و غیره می‌توانند در تنوع آوایی، واجی، واژگانی، صرفی و نحوی نقش اساسی ایفا نمایند؛ اما تأثیر هر یک از متغیرهای اجتماعی در ایجاد تنوع متفاوت است. جامعه‌شناسان زبان معتقدند که در عملکرد هر قاعده متغیری عوامل زبانی و غیرزبانی دخیل هستند و گویندگان زبان می‌دانند که قاعده با چه عواملی درگیر است و عوامل تأثیرگذار بر عملکرد یک قاعده متغیر را در اختیار دارند. بنابراین، پرسشنامه بر اساس دیدگاه هلیدی در

¹ N. Thu Hein

² E. Romero & B. Soria

³ variable rule

زمینه تنوعات دستوری و همچنین دیدگاه جامعه‌شناسان زبان در زمینه تنوعات زبانی طراحی شده است تا نقش هر یک از متغیرهای اجتماعی جنسیت، تحصیلات و طبقه اجتماعی در کاربرد صورت‌های متجانس و استعاری بررسی شود و همچنین مشخص گردد که کدامیک از متغیرهای اجتماعی نقش بیشتری در ایجاد تنوع نحوی در گفتار گویشوران زبان فارسی دارند. تعداد آزمودنی‌ها بر اساس متغیرهای اجتماعی جنسیت، طبقه اجتماعی و تحصیلات و به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند و جامعه آماری شامل گویشوران شهر تهران است. برای یکدست شدن همه گروه‌های مورد مطالعه، جامعه در دسترس اندک بود، بدین منظور ۹۰ نفر انتخاب شدند که با آفت پاسخگویی مواجه شدیم و ۴۷ نفر به پرسش‌نامه‌ها پاسخ دادند. پس جامعه آماری نمونه شامل ۴۷ نفر است که ۲۱ نفر مرد و ۲۶ نفر زن هستند. تعداد آزمودنی‌ها از هر طبقه اجتماعی پایین، متوسط و بالا به ترتیب ۱۵ نفر، ۲۲ نفر، ۱۰ نفر و همچنین تعداد آزمودنی‌ها در سطوح تحصیلی دیپلم، کارشناسی و تحصیلات تکمیلی به ترتیب ۱۲ نفر، ۱۸ نفر، ۱۷ نفر هستند. پرسشنامه حاوی ۱۵ پرسش است و سعی شده است تا پرسش‌هایی لحاظ شوند که مرتبط با متغیرهای پژوهش باشند. همچنین در انتخاب آزمودنی‌ها سعی شده است تأثیر متغیرهای کنترل خنثی شود تا همبستگی متغیرهای اجتماعی (متغیر مستقل) و متغیرهای زبانی (متغیر وابسته) به صورت دقیق بررسی شود؛ مثلاً در زمینه همبستگی متغیر جنسیت و صورت‌های متجانس و استعاری سعی شده است هر یک از دو جنس زن و مرد طوری انتخاب گردند که متغیرهای اجتماعی دیگر نظیر تحصیلات، سن و طبقه اجتماعی کنترل شوند و در مورد سایر متغیرهای اجتماعی به همین صورت عمل شده است. در زمینه تعیین طبقات اجتماعی از ملاک‌هایی نظیر شغل، میزان درآمد و محل سکونت استفاده شده است. نمونه‌هایی از استعاره‌های دستوری به شرح زیر است:

۵-۱) استعاره دستوری وجهیت

الف) ما بایستی به مباحث کلان جامعه‌شناسی و اجتماعی توجه خاصی داشته باشیم. (صورت متجانس)

ب) شایسته است که به مباحث کلان جامعه‌شناسی و اجتماعی توجه خاصی داشته باشیم. (صورت استعاری)

۵-۲) استعاره دستوری گذرایی:

الف) در همه مباحث علمی این اصول و نظریه‌های بنیادین دیده می‌شوند. (صورت متجانس)

ب) در همه مباحث علمی این اصول و نظریه‌های بنیادین به چشم می‌خورند. (صورت استعاری)

۵-۳) استعاره دستوری اسم‌سازی:

الف) سیل خانه‌ها را خراب کرد، مزارع را ویران کرد و مردم را نگران کرد. (صورت متجانس)

ب) تخریب خانه‌ها و ویرانی مزارع ناشی از سیل باعث نگرانی مردم شد. (صورت استعاری)

در پژوهش حاضر جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شد که از روش‌های آماری فراوانی و درصد و آزمون‌های دو متغیری و حتی دو تک متغیری استفاده شده است. روش دو متغیری در واقع همان کای اسکوئر است و فرمول پایه آنها یکسان است. با توجه به زیاد بودن گروه‌ها از روش دو متغیری استفاده شد که مبنای آن با کای اسکوئر یکی است. با لحاظ به اینکه فراوانی آزمودنی‌ها در سطوح دو متغیر طبقه‌ای (جنسیت، تحصیلات، طبقه اجتماعی) و وضعیت متجانس (متجانس - استعاری) بود، در آغاز از مجذور کای دو متغیری استفاده گردید. لذا با اجرای مجذور کای دو متغیری در مرحله اول به بررسی رابطه بین متغیرها پرداخته می‌شود که در جدول متقاطع ارائه شده است. در مرحله بعد به بررسی تأثیر متغیرهای مورد بررسی در استفاده از وضعیت متجانس پرداخته می‌شود.

۶. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

در این بخش تأثیر عوامل اجتماعی از جمله جنسیت، تحصیلات و طبقه اجتماعی بر تنوع نحوی ناشی از کاربرد صورت‌های متجانس و استعاری مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

۶-۱. جنسیت

در مباحث اجتماعی زبان، مانند بسیاری از پژوهش‌های علوم اجتماعی تأکید بیشتر بر جنسیت^۱ است تا جنس^۲، زیرا جنسیت مقوله‌ای است اجتماعی- فرهنگی در حالی که جنس جنبه زیست‌شناختی و اندامی دارد. تمایزهای جنسیتی بیشتر با نقش‌های اجتماعی زنان و مردان مرتبط است و از این رو تفاوت در نقش‌های اجتماعی دو جنس تفاوت در رفتارهای اجتماعی و از جمله رفتار زبانی آنان را در پی دارد (مدرسی، ۱۳۹۱: ۲۱۰). مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که به طور کلی زنان نسبت به رفتار زبانی خود بیش از مردان حساسیت دارند و همین حساسیت آنان را پیشرو تغییرات زبانی در جهت گسترش ویژگی‌های معتبر کرده است؛ زیرا زنان با حساسیت خود نسبت به ویژگی‌های زبانی معتبر بیشتر آنها را به کار می‌گیرند و به سبب نقش مهم‌تری که در آموزش زبان به فرزندان خود دارند، این ویژگی‌ها را با سهولت و سرعت بیشتری به نسل بعد انتقال می‌دهند (مدرسی، ۱۳۹۱: ۲۱۱). ولفرام^۳ (۱۹۶۹: ۷۸) اشاره کرد که زنان در مقایسه با مردان حساسیت بیشتری نسبت به صورت‌های زبانی باارزش اجتماعی دارند. لباو (۱۹۷۲: ۲۴۳) مدعی شد که زنان در گفتار دقیق نسبت به مردان از صورت‌های زبانی نشاندار کمتر استفاده می‌کنند و زنان در قبال الگوی اعتبار نسبت به مردان حساس‌تر هستند. ولفرام و فسولد^۴ (۱۹۷۴: ۹۳) اشاره کردند که زنان نسبت به مردان آگاهی بیشتری نسبت به هنجارهای اعتبار هم در گفتار واقعی و هم در طرز فکرشان نسبت به گفتار دارند. با توجه به توضیح فوق، داده‌های پژوهش حاضر در زمینه تأثیر جنسیت بر کاربرد صورت‌های متجانس و استعاری در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول ۱: فراوانی و درصد صورت‌های متجانس - استعاری بر حسب جنسیت

وجه جنسیت	استعاری		متجانس		کل	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
زنان	۱۲۶	۳۲/۳	۲۶۴	۶۷/۷	۳۹۰	۱۰۰
مردان	۱۱۱	۳۵/۲	۲۰۴	۶۴/۸	۳۱۵	۱۰۰
تعداد کل	۲۳۷	۳۳/۶	۴۶۸	۶۶/۴	۷۰۵	۱۰۰

در جدول متقاطع (۱) فراوانی و درصد صورت‌های متجانس و استعاری استفاده شده توسط زنان و مردان ارائه شده است. این جدول روند متفاوت فراوانی استفاده از صورت‌های متجانس و استعاری را نشان می‌دهد. داده‌های جدول نشان می‌دهد زنان در ۳۲/۳ درصد، مردان در ۳۵/۲ درصد موارد از صورت‌های استعاری استفاده کردند. بدین ترتیب فراوانی و درصد استفاده از صورت‌های استعاری در گروه مردان بیشتر از زنان است. همچنین در مقایسه بین استفاده از صورت‌های متجانس و استعاری مشاهده می‌شود که در اکثریت موارد از صورت‌های متجانس استفاده شده است.

¹ gender

² sex

³ W. Wolfram

⁴ R. Fasold

جدول ۲: شاخص‌های آماری معنی‌داری در مجذور کای دو متغیری (جنسیت × وضعیت تجانس)

شاخص‌ها	مقدار	درجه آزادی	معنی داری
مجذور کای	۰/۶۷	۱	۰/۴۱۳
نرخ درست‌نمایی	۰/۵۴	۱	۰/۴۶۰
ضریب پیوستگی	۰/۰۳۱	---	۰/۴۱۳
تعداد کل	۷۰۵		

جهت بررسی رابطه جنسیت و وضعیت تجانس صورت‌های مورد استفاده از مجذور کای دوبعدی استفاده شده است. نتایج مجذور کای دو متغیری نشان می‌دهد میزان مجذور کای ($X^2 = 0/67$) و سطح معنی‌داری ($\text{sig} = 0/413$) حاصل از ارتباط بین دو متغیر از لحاظ آماری در سطح آلفای ۰/۰۵ معنی‌دار نیست. ضریب پیوستگی بین دو متغیر طبقه‌ای برابر با ۰/۰۳۱ و سطح معنی‌داری آن ۰/۴۱۳ می‌باشد که دقیقاً برابر با معنی‌داری مقدار خی دو می‌باشد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود مجذور کای دو متغیری معنی‌دار نیست. به بیانی بین دو متغیر تعامل وجود ندارد.

جدول ۳: بررسی تأثیر جنسیت بر استفاده از استعاره دستوری

جنسیت	فرآوانی		آزمون آماری	
	مشاهده شده	مورد انتظار	خی دو	درجه آزادی
زنان	۱۲۶	۱۱۸/۵	۰/۹۴۹	۱
مردان	۱۱۱	۱۱۸/۵		
کل	۲۳۷	۲۳۷		
			۰/۳۳۰	

همانگونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود فرآوانی قابل انتظار هر دو گروه برابر فرض شده است. مقدار مجذور کای برابر با ۰/۹۴۹ و درجه آزادی ۱ در سطح ۰/۳۳ از لحاظ آماری معنی‌دار نیست. به بیانی بین فرآوانی صورت‌های استعاری مورد استفاده در دو گروه زنان و مردان تفاوت وجود ندارد. لذا می‌توان گفت جنسیت روی میزان استفاده از صورت‌های متجانس و استعاری تأثیر گذار نیست.

در ادامه تأثیر جنسیت بر استعاره وجهیت، استعاره گذرای، و استعاره اسم‌سازی به طور مجزا بررسی می‌شود.

جدول ۴: بررسی تأثیر جنسیت بر استفاده از استعاره دستوری (وجهیت، گذرای، اسم‌سازی)

جنسیت	نوع استعاره	فرآوانی		آزمون آماری	
		مشاهده شده	مورد انتظار	خی دو	درجه آزادی
زنان	وجهیت	۳۹	۳۴	۱/۴۷	۱
		۲۹	۳۴		
مردان	وجهیت	۴۵	۴۱/۵	۰/۵۹۰	۱
		۳۸	۴۱/۵		
زنان	اسم‌سازی	۴۲	۴۳	۰/۰۴۷	۱
		۴۴	۴۳		
مردان	اسم‌سازی	۳۹	۳۴	۰/۲۲۵	۱
		۲۹	۳۴		
زنان	گذرای	۴۵	۴۱/۵	۰/۴۴۲	۱
		۳۸	۴۱/۵		
مردان	گذرای	۴۲	۴۳	۰/۸۲۹	۱
		۴۴	۴۳		

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود:

مقدار مجذور کای در استفاده از استعاره دستوری وجهیت برابر با $1/47$ و درجه آزادی ۱ در سطح $0/225$ از لحاظ آماری معنی‌دار نیست. به بیانی بین فراوانی صورت‌های استعاری وجهیت مورد استفاده در دو گروه زنان و مردان تفاوت وجود ندارد. لذا می‌توان گفت جنسیت روی میزان استفاده از صورت‌های استعاری وجهیت تأثیرگذار نیست.

مقدار مجذور کای در استفاده از استعاره دستوری گذرای برابر با $0/590$ و درجه آزادی ۱ در سطح $0/442$ از لحاظ آماری معنی‌دار نیست. به بیانی بین فراوانی صورت‌های استعاری گذرای مورد استفاده در دو گروه زنان و مردان تفاوت وجود ندارد. لذا می‌توان گفت جنسیت روی میزان استفاده از صورت‌های استعاری گذرای تأثیرگذار نیست.

مقدار مجذور کای در استفاده از استعاره دستوری اسم‌سازی برابر با $0/047$ و درجه آزادی ۱ در سطح $0/829$ از لحاظ آماری معنی‌دار نیست. به بیانی بین فراوانی صورت‌های استعاری اسم‌سازی مورد استفاده در دو گروه زنان و مردان تفاوت وجود ندارد. لذا می‌توان گفت جنسیت روی میزان استفاده از صورت‌های استعاری اسم‌سازی تأثیرگذار نیست.

۶-۲. تحصیلات

میزان تحصیلات هم عامل مهمی در شکل‌گیری تنوعات نحوی است. در یک جامعه زبانی هر چه تحصیلات افراد بیشتر باشد، بخش گسترده‌تری از پیوستار سبکی یا گنجینه زبانی در اختیار آنها قرار دارد. گروه‌های تحصیلی پایین دارای پیوستار سبکی بسته و گروه‌های تحصیلی بالاتر دارای پیوستار زبانی گسترده‌تری هستند (مدرسی، ۱۳۹۱: ۲۴۱-۲۴۲). داده‌های پژوهش در زمینه تأثیر تحصیلات بر کاربرد صورت‌های متجانس و استعاری در جدول (۵) آمده است. در جدول مقاطع (۵) فراوانی و درصد صورت‌های متجانس و استعاری استفاده شده توسط سه گروه از افراد با تحصیلات متفاوت ارائه شده است. این جدول روند متفاوت فراوانی استفاده از صورت‌های متجانس و استعاری را نشان می‌دهد. داده‌های جدول نشان می‌دهد افراد با تحصیلات تکمیلی در $38/4$ درصد، تحصیلات کارشناسی در $33/7$ درصد، و با تحصیلات دیپلم در $26/7$ درصد موارد از صورت‌های استعاری استفاده کردند.

جدول ۵: فراوانی و درصد صورت‌های متجانس و استعاری در سه گروه تحصیلی

وجه		استعاری		متجانس		کل	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تحصیلات تکمیلی		۹۸	$38/4$	۱۵۷	$61/6$	۲۵۵	۱۰۰
کارشناسی		۹۱	$33/7$	۱۷۹	$66/3$	۲۷۰	۱۰۰
دیپلمه		۴۸	$26/7$	۱۳۲	$73/3$	۱۸۰	۱۰۰
کل		۲۳۷	$33/6$	۴۶۸	$66/4$	۷۰۵	۱۰۰

بدین ترتیب فراوانی و درصد استفاده از صورت‌های استعاری در گروه با تحصیلات تکمیلی بیشتر و در گروه با تحصیلات دیپلمه کمتر بوده است. همچنین در مقایسه بین استفاده از صورت‌های متجانس و استعاری مشاهده می‌شود که در اکثریت موارد از صورت‌های متجانس استفاده شده است.

جدول ۶: شاخص‌های آماری معنی‌داری در مجذور کای دو متغیری (تحصیلات × وضعیت تجانس)

شاخص‌ها	مقدار	درجه آزادی	معنی درای
مجذور کای	۶/۵۴	۲	۰/۰۳۸
نرخ درست‌نمایی	۶/۶۴	۲	۰/۰۳۶
ضریب پیوستگی	۰/۰۹۶	---	۰/۰۳۸
تعداد کل	۷۰۵		

جهت بررسی رابطه بین تحصیلات (در سه سطح) و وضعیت صورت‌های مورد استفاده (در دو سطح) از مجذور کای دوبعدی استفاده شده است. نتایج مجذور کای دو متغیری نشان می‌دهد میزان مجذور کای $(X^2 = ۶/۵۴)$ و سطح معنی‌داری $(sig = ۰/۰۳۸)$ حاصل از ارتباط بین دو متغیر از لحاظ آماری در سطح آلفای ۰/۰۵ معنی‌دار است. ضریب پیوستگی بین دو متغیر طبقه‌ای برابر با ۰/۰۹۶ و سطح معنی‌داری آن ۰/۰۳۸ می‌باشد که دقیقاً برابر با معنی‌داری مقدار خی دو می‌باشد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود مجذور کای دو متغیری معنی‌دار است. به بیانی بین دو متغیر تعامل وجود دارد. در ادامه تأثیر متغیر تحصیلات در استفاده از استعاره دستوری مورد بررسی قرار می‌گیرد. همان‌گونه که در جدول (۷) مشاهده می‌شود فراوانی قابل انتظار هر سه گروه برابر فرض شده است. مقدار مجذور کای برابر با ۱۸/۵۵ و درجه آزادی ۲ در سطح ۰/۰۰۰ از لحاظ آماری معنی‌دار است. به بیانی فراوانی صورت‌های استعاری مورد استفاده در سه سطح تحصیلی متفاوت است. لذا می‌توان گفت تحصیلات روی میزان استفاده از صورت‌های متجانس و استعاری تأثیر گذار است.

جدول ۷: بررسی تأثیر تحصیلات بر استفاده از استعاره دستوری

شاخصها تحصیلات	فراوانی		آزمون آماری	
	مشاهده شده	مورد انتظار	خی دو	درجه آزادی
تحصیلات تکمیلی	۹۸	۷۹	۱۸/۵۵	۲
کارشناسی	۹۱	۷۹		
دیپلمه	۴۸	۷۹		
کل	۲۳۷	۲۳۷		

به لحاظ این که تحصیلات در سه گروه مورد نظر بود به مقایسه ۲ به ۲ گروه‌ها پرداخته می‌شود تا مشخص شود تفاوت در استفاده بین کدام گروه بیشتر است.

جدول ۸: مقایسه تفاوت دو به دو گروه‌های تحصیلی به لحاظ استفاده از استعاره دستوری

آزمون آماری			فراوانی		شاخص‌ها تحصیلات
معنی‌داری	درجه آزادی	خی‌دو	مورد انتظار	مشاهده شده	
۰/۶۱۱	۱	۰/۲۵۹	۹۴/۵	۹۸	تحصیلات تکمیلی
			۹۴/۵	۹۱	کارشناسی
۰/۰۰۰	۱	۱۷/۱۲	۷۳	۹۸	تحصیلات تکمیلی
			۷۳	۴۸	دیپلمه
۰/۰۰۰	۱	۱۳/۳۰	۶۹/۵	۹۱	کارشناسی
			۶۹/۵	۴۸	دیپلمه

در جدول فوق به مقایسه دو به دو گروه‌ها در استفاده از صورت‌های حاوی استعاره دستوری پرداخته شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، بین گروه تحصیلات تکمیلی و تحصیلات کارشناسی از لحاظ استفاده از صورت‌های استعاره دستوری تفاوت مشاهده نمی‌شود ($\text{Sig} = ۰/۶۱۱$)؛ ولی در مقایسه گروه تحصیلات تکمیلی با دیپلمه‌ها ($X^2 = ۱۷/۱۲$) = $\text{Sig} = ۰/۰۰۰$) و در مقایسه گروه تحصیلات کارشناسی با دیپلمه‌ها ($X^2 = ۱۳/۳۰$) ($\text{Sig} = ۰/۰۰۰$) تفاوت معنی‌داری مشاهده می‌شود. بدین‌رو، می‌توان گفت گروهی که تحصیلات کارشناسی و تکمیلی دارند بیشتر از دیپلمه‌ها از صورت‌های استعاره دستوری استفاده می‌کنند.

در ادامه تأثیر تحصیلات بر استعاره وجهیت، استعاره گذرایی، و استعاره اسم‌سازی به طور مجزا بررسی می‌شود. همان‌گونه که در جدول (۹) مشاهده می‌شود:

مقدار مجذور کای در استفاده از استعاره دستوری وجهیت برابر با $۷/۸۸$ و درجه آزادی ۲ در سطح $۰/۰۱۹$ از لحاظ آماری معنی‌دار است. به بیانی بین فراوانی صورت‌های استعاری وجهیت مورد استفاده در گروه‌های تحصیلی متفاوت (تحصیلات تکمیلی، کارشناسی و دیپلمه) تفاوت وجود دارد. لذا می‌توان گفت تحصیلات روی میزان استفاده از صورت‌های استعاری وجهیت تأثیر گذار است.

جدول ۹: بررسی تأثیر تحصیلات بر استفاده از استعاره دستوری (وجهیت، گذرایی، اسم‌سازی)

آزمون آماری			فراوانی		نوع استعاره	شاخص‌ها تحصیلات
معنی‌داری	درجه آزادی	خی‌دو	مورد انتظار	مشاهده شده		
۰/۰۱۹	۲	۷/۸۸	۲۲/۷	۳۰	وجهیت	تحصیلات تکمیلی
			۲۲/۷	۲۶	وجهیت	کارشناسی
			۲۲/۷	۱۲	وجهیت	دیپلمه
۰/۱۲۶	۲	۴/۱۴	۲۷/۷	۳۳	گذرایی	تحصیلات تکمیلی
			۲۷/۷	۳۱	گذرایی	کارشناسی
			۲۷/۷	۱۹	گذرایی	دیپلمه
۰/۰۲۸	۲	۷/۱۴	۲۸/۷	۳۵	اسم‌سازی	تحصیلات تکمیلی
			۲۸/۷	۳۴	اسم‌سازی	کارشناسی
			۲۸/۷	۱۷	اسم‌سازی	دیپلمه

مقدار مجذور کای در استفاده از استعاره دستوری گذرایی برابر با ۴/۱۴ و درجه آزادی ۲ در سطح ۰/۱۲۶ از لحاظ آماری معنی‌دار نیست. به بیانی بین فراوانی صورت‌های استعاری گذرایی مورد استفاده در گروه‌های تحصیلی متفاوت (تحصیلات تکمیلی، کارشناسی و دیپلمه) تفاوت وجود ندارد. لذا می‌توان گفت تحصیلات روی میزان استفاده از صورت‌های استعاری گذرایی تأثیر گذار نیست.

مقدار مجذور کای در استفاده از استعاره دستوری اسم‌سازی برابر با ۷/۱۴ و درجه آزادی ۲ در سطح ۰/۰۲۸ از لحاظ آماری معنی‌دار است. به بیانی بین فراوانی صورت‌های استعاری اسم‌سازی مورد استفاده گروه‌های تحصیلی متفاوت (تحصیلات تکمیلی، کارشناسی و دیپلمه) تفاوت وجود دارد. لذا می‌توان گفت تحصیلات روی میزان استفاده از صورت‌های استعاری اسم‌سازی تأثیر گذار است.

۳-۶. طبقه اجتماعی

مطابق بررسی‌های اخیر جامعه‌شناسان زبان، میان رفتار زبانی افراد و طبقه اجتماعی آنها همبستگی‌های قابل ملاحظه وجود دارد؛ یعنی افراد وابسته به یک طبقه اجتماعی که ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی مشابهی دارند، از نظر رفتار زبانی نیز تشابه بیشتری با یکدیگر نشان می‌دهند (مدرسی، ۱۳۹۱: ۱۸۶). تاگلیامونت^۱ (۲۰۱۲: ۲۶) در زمینه طبقه اجتماعی اشاره کرد که وقتی متغیر زبانی دارای ارزشیابی اجتماعی صریح معیار در برابر غیرمعیار است، مطمئناً آن متغیر با سلسله مراتب اجتماعی غالب در جامعه مرتبط است و بخاطر این که طبقه اجتماعی مقوله‌ای اجتماعی است، متغیرهای زبانی با آن همبستگی دارند. الگوهای متغیرهای زبانی منعکس‌کننده ساختار اجتماعی خواهند بود. در این پژوهش طبقه اجتماعی بر اساس شاخص‌های تحصیلات، شغل، سطح درآمد و محل سکونت تعیین شده است. داده‌های پژوهش در زمینه تأثیر طبقه اجتماعی بر کاربرد صورت‌های متجانس و استعاری در جدول (۱۰) مطرح شده است:

جدول ۱۰: فراوانی و درصد صورت‌های استعاری - غیراستعاری در سه طبقه اجتماعی

وجه		استعاری		غیراستعاری		کل	
طبقه اجتماعی		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
طبقه بالا		۳۱/۳	۴۷	۶۸/۷	۱۰۳	۱۵۰	۱۰۰
طبقه متوسط		۴۰/۷	۱۲۲	۵۹/۳	۱۷۸	۳۰۰	۱۰۰
طبقه پایین		۲۶/۷	۶۸	۷۳/۳	۱۸۷	۲۵۵	۱۰۰
تعداد کل		۳۳/۶	۲۳۷	۶۶/۴	۴۶۸	۷۰۵	۱۰۰

در جدول متقاطع فوق فراوانی و درصد صورت‌های متجانس و استعاری استفاده شده توسط سه طبقه اجتماعی متفاوت ارائه شده است. این جدول روند متفاوت فراوانی استفاده از صورت‌های متجانس و استعاری را نشان می‌دهد. داده‌های جدول نشان می‌دهد افراد با طبقه اجتماعی بالا در ۳۱/۳ درصد، طبقه اجتماعی متوسط در ۴۰/۷ درصد، و طبقه اجتماعی پایین در ۳۳/۶ درصد موارد از صورت‌های استعاری استفاده کردند. بدین ترتیب فراوانی و درصد استفاده از صورت‌های

^۱ S. A. Tagliamonte

استعاری در گروه طبقه اجتماعی متوسط بیشتر و در گروه طبقه اجتماعی پایین کمتر است. همچنین در مقایسه بین استفاده از صورت‌های متجانس و استعاری مشاهده می‌شود که در اکثریت موارد از صورت‌های متجانس استفاده شده است.

جدول ۱۱: شاخص‌های آماری معنی‌داری در مجذور کای دو متغیری (طبقه اجتماعی × وضعیت تجانس)

شاخص‌ها	مقدار	درجه آزادی	معنی داری
مجذور کای	۱۲/۵۲	۲	۰/۰۰۲
نرخ درست‌نمایی	۱۲/۵۷	۲	۰/۰۰۲
ضریب پیوستگی	۰/۱۳۲	---	۰/۰۰۲
تعداد کل	۷۰۵		

جهت بررسی رابطه بین طبقه اجتماعی (سه سطح) و نوع صورت‌های مورد استفاده (دو سطح) از مجذور کای دوبعدی استفاده شده است. نتایج مجذور کای دو متغیری نشان می‌دهد میزان مجذور کای ($X^2 = 12/52$) و سطح معنی‌داری ($sig = 0/002$) حاصل از ارتباط بین دو متغیر از لحاظ آماری در سطح آلفای ۰/۰۵ معنی‌دار است. ضریب پیوستگی بین دو متغیر طبقه‌ای برابر با ۰/۱۳۲ و سطح معنی‌داری آن ۰/۰۰۲ است که دقیقاً برابر با معنی‌داری مقدار خی دو است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود مجذور کای دو متغیری معنی‌دار است. به بیانی بین دو متغیر تعامل وجود دارد. در ادامه تأثیر متغیر طبقه اجتماعی در استفاده از استعاره دستوری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۱۲: بررسی تأثیر طبقه اجتماعی بر استفاده از استعاره دستوری

آزمون آماری			فراوانی		شاخص‌ها
معنی داری	درجه آزادی	خی دو	مورد انتظار	مشاهده شده	طبقه اجتماعی
۰/۰۰۰	۲	۳۷/۸۹	۷۹	۴۷	طبقه بالا
			۷۹	۱۲۲	طبقه متوسط
			۷۹	۶۸	طبقه پایین
			۲۳۷	۲۳۷	تعداد کل

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود فراوانی قابل انتظار هر سه گروه برابر فرض شده است. مقدار مجذور کای برابر با ۳۷/۸۹ و درجه آزادی ۲ در سطح ۰/۰۰۰ از لحاظ آماری معنی‌دار است. به بیانی فراوانی صورت‌های استعاری مورد استفاده در سه گروه طبقه اجتماعی متفاوت است. لذا می‌توان گفت طبقه اجتماعی روی میزان استفاده از صورت‌های متجانس و استعاری تأثیر گذار است. با لحاظ به اینکه تحصیلات در سه گروه مطرح بود به مقایسه ۲ به ۲ گروه‌ها پرداخته می‌شود تا مشخص شود تفاوت در استفاده بین کدام گروه بیشتر است.

جدول ۱۳: مقایسه تفاوت دو به دو طبقات اجتماعی از لحاظ استفاده از استعاره دستوری

آزمون آماری			فراوانی		شاخص‌ها طبقه اجتماعی
معنی‌داری	درجه آزادی	خی دو	مورد انتظار	مشاهده شده	
۰/۰۰۰	۱	۳۳/۲۸	۸۴/۵	۴۷	طبقه بالا
			۸۴/۵	۱۲۲	طبقه متوسط
۰/۰۵	۱	۳/۸۳	۵۷/۵	۴۷	طبقه بالا
			۵۷/۵	۶۸	طبقه پایین
۰/۰۰۰	۱	۱۵/۳۴	۹۵	۱۲۲	طبقه متوسط
			۹۵	۶۸	طبقه پایین

در جدول فوق به مقایسه دو به دو گروه‌ها در استفاده از صورت‌های استعاره دستوری پرداخته شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، بین گروه طبقه اجتماعی بالا با طبقه اجتماعی متوسط ($X^2 = 33/28$) ($Sig = 0/000$) و بین طبقه اجتماعی متوسط و طبقه اجتماعی پایین ($X^2 = 15/34$) ($Sig = 0/000$)، بین طبقه اجتماعی بالا و طبقه اجتماعی پایین ($X^2 = 3/83$) ($Sig = 0/05$) تفاوت معنی‌داری مشاهده می‌شود. از این رو می‌توان گفت بین طبقات اجتماعی از لحاظ میزان استفاده از صورت‌های حاوی استعاره دستوری تفاوت وجود دارد. افراد در طبقه اجتماعی متوسط بیشتر از طبقه اجتماعی بالا و طبقه اجتماعی پایین از صورت‌های استعاره استفاده می‌کنند و افراد طبقه اجتماعی بالا بیشتر از طبقه اجتماعی پایین از صورت‌های دستوری استعاره استفاده می‌کنند.

در ادامه تأثیر طبقه اجتماعی بر استعاره وجهیت، استعاره گذرایی، و استعاره اسم‌سازی به طور مجزا بررسی می‌شود.

جدول ۱۴: بررسی تأثیر طبقه اجتماعی بر استفاده از استعاره دستوری (وجهیت، گذرایی، اسم‌سازی)

آزمون آماری			فراوانی		نوع استعاره	شاخص‌ها طبقه اجتماعی
معنی‌داری	درجه آزادی	خی دو	موردانتظار	مشاهده شده		
۰/۰۲۶	۲	۷/۲۶	۲۲/۷	۱۶	وجهیت	طبقه بالا
			۲۲/۷	۳۳	وجهیت	طبقه متوسط
			۲۲/۷	۱۹	وجهیت	طبقه پایین
۰/۰۰۲	۲	۱۲/۲۴	۲۷/۷	۱۵	گذرایی	طبقه بالا
			۲۷/۷	۴۱	گذرایی	طبقه متوسط
			۲۷/۷	۲۷	گذرایی	طبقه پایین
۰/۰۰۰	۲	۲۰/۱۸	۲۸/۷	۱۶	اسم‌سازی	طبقه بالا
			۲۸/۷	۴۸	اسم‌سازی	طبقه متوسط
			۲۸/۷	۲۲	اسم‌سازی	طبقه پایین

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود:

مقدار مجذور کای در استفاده از استعاره دستوری وجهیت برابر با $7/26$ و درجه آزادی ۲ در سطح $0/026$ از لحاظ آماری معنی‌دار است. به بیانی بین فراوانی صورت‌های استعاری وجهیت مورد استفاده در طبقات اجتماعی تفاوت وجود دارد. لذا می‌توان گفت طبقه اجتماعی روی میزان استفاده از صورت‌های استعاری وجهیت تأثیر گذار است.

مقدار مجذور کای در استفاده از استعاره دستوری گذرایی برابر با $12/24$ و درجه آزادی ۲ در سطح $0/002$ از لحاظ آماری معنی‌دار است. به بیانی بین فراوانی صورت‌های استعاری گذرایی مورد استفاده در طبقات اجتماعی تفاوت وجود دارد. لذا می‌توان گفت طبقه اجتماعی روی میزان استفاده از صورت‌های استعاری گذرایی تأثیر گذار است.

مقدار مجذور کای در استفاده از استعاره دستوری اسم‌سازی برابر با $20/18$ و درجه آزادی ۲ در سطح $0/000$ از لحاظ آماری معنی‌دار است. به بیانی بین فراوانی صورت‌های استعاری اسم‌سازی مورد استفاده طبقات اجتماعی تفاوت وجود دارد. لذا می‌توان گفت طبقه اجتماعی روی میزان استفاده از صورت‌های استعاری اسم‌سازی تأثیر گذار است.

۷. نتیجه‌گیری

از منظر هیلیدی و متیسن (۲۰۰۴)، هر انسانی توانایی خاصی در انتخاب معنای مورد نظر در بافت‌های مختلف را در اختیار دارد و چنین معانی از طریق واژگان دستور رمزگذاری می‌شوند. بنابراین، تنوع معانی در ذهن منجر به شکل‌گیری تنوع دستوری می‌شود که بافت نقش اساسی را در این امر ایفا می‌کند و از طرفی بافت نقش محدودکننده معانی را جهت فهم مخاطبان نیز ایفا می‌کند. صورت متجانس و استعاری یکی از موارد اساسی در ایجاد تنوع زبانی در گفتار افراد به شمار می‌رود که در پژوهش حاضر نقش جنسیت، تحصیلات و طبقه اجتماعی در ایجاد تنوع نحوی مورد بررسی قرار گرفته است. بررسی داده‌های پژوهش مربوط به جنسیت بدین شرح است: نتایج مجذور کای دو متغیری نشان می‌دهد میزان مجذور کای $(X^2 = 0/67)$ و سطح معنی‌داری $(\text{sig} = 0/413)$ حاصل از ارتباط بین دو متغیر از لحاظ آماری در سطح آلفای $0/05$ معنی‌دار نیست. بنابراین جنسیت تأثیری بر تنوع نحوی ناشی از کاربرد صورت‌های متجانس و استعاری ندارد و همچنین داده‌های پژوهش مربوط به تأثیر جنسیت بر انواع استعاره دستوری بدین شرح است: مقدار مجذور کای در استفاده از استعاره دستوری وجهیت برابر با $1/47$ و درجه آزادی ۱ در سطح $0/225$ از لحاظ آماری معنی‌دار نیست و مقدار مجذور کای در استفاده از استعاره دستوری گذرایی برابر با $0/590$ و درجه آزادی ۱ در سطح $0/442$ از لحاظ آماری معنی‌دار نیست. همچنین مقدار مجذور کای در استفاده از استعاره دستوری اسم‌سازی برابر با $0/047$ و درجه آزادی ۱ در سطح $0/829$ از لحاظ آماری معنی‌دار نیست. بنابراین جنسیت در میزان کاربرد انواع استعاره دستوری یعنی وجهیت، گذرایی و اسم‌سازی هم نقشی ایفا نمی‌کند. چنین امری در جامعه‌شناسی زبان طبیعی به نظر می‌رسد، زیرا جامعه‌شناسان زبان بر این باورند که متغیرهای اجتماعی نقش اساسی را در ایجاد تنوع زبانی ایفا می‌کنند. اما نکته حایز اهمیت در نظریه تنوع لباو این است که تمام متغیرهای اجتماعی در شکل‌گیری تنوع زبانی ممکن است نقش یکسانی ایفا نکنند، به عبارت دیگر، تأثیر برخی از متغیرهای اجتماعی نسبت به متغیرهای دیگر در امر تنوع زبانی ممکن است بیشتر باشد و البته نکته مهم دیگر این‌که، در برخی از موارد اساساً متغیرهای اجتماعی نقش چندان خاصی در تنوعات زبانی ممکن است نداشته باشند. همچنین داده‌های پژوهش مربوط به تحصیلات بدین شرح است: نتایج مجذور کای دو متغیری نشان می‌دهد میزان مجذور کای $(X^2 = 6/54)$ و سطح معنی‌داری $(\text{sig} = 0/038)$ حاصل از ارتباط بین دو متغیر از لحاظ آماری در سطح آلفای $0/05$ معنی‌دار است. ضریب پیوستگی بین دو متغیر طبقه‌ای برابر با $0/096$ و سطح معنی‌داری آن

۰/۰۳۸ می‌باشد که دقیقاً برابر با معنی‌داری مقدار خفی دو می باشد. بنابراین تحصیلات در تنوع نحوی ناشی از صورت‌های متجانس و استعاری نقش اساسی را ایفا کرده است. در حقیقت بین کاربرد صورت‌های متجانس و استعاری تفاوت زیادی وجود دارد، به عبارت دیگر، افراد بیشتر از صورت متجانس نسبت به استعاری استفاده کرده‌اند. همچنین داده‌های پژوهش مربوط به تأثیر تحصیلات بر کاربرد انواع استعاره دستوری بدین شرح است: مقدار مجذور کای در استفاده از استعاره دستوری وجهیت برابر با $7/88$ و درجه آزادی ۲ در سطح $0/019$ از لحاظ آماری معنی‌دار است. به بیانی بین فراوانی صورت‌های استعاری وجهیت مورد استفاده در گروه‌های تحصیلی متفاوت (تحصیلات تکمیلی، کارشناسی و دیپلمه) تفاوت وجود دارد و مقدار مجذور کای در استفاده از استعاره دستوری گذرای برابر با $4/14$ و درجه آزادی ۲ در سطح $0/126$ از لحاظ آماری معنی‌دار نیست. همچنین مقدار مجذور کای در استفاده از استعاره دستوری اسم‌سازی برابر با $7/14$ و درجه آزادی ۲ در سطح $0/028$ از لحاظ آماری معنی‌دار است. بنابراین در کاربرد صورت‌های استعاری وجهیت و اسم‌سازی، افراد دارای تحصیلات تکمیلی و دانشگاهی بیشتر از صورت استعاری استفاده کرده‌اند، اما تحصیلات بر کاربرد استعاره دستوری گذرای تأثیر نداشته است. در نقشگرایی باور بر این است که پیچیدگی نحوی صورت‌های استعاری به مراتب بیشتر از صورت‌های متجانس است، بنابراین افراد با تحصیلات دیپلم توانایی چندانی در استفاده از ساختار دستوری پیچیده را ندارند و افراد با تحصیلات دانشگاهی و تکمیلی بر عکس توانایی کاربرد ساختار پیچیده‌تر نحوی را دارند. به نظر می‌رسد که دلیل اساسی عدم تأثیر جنسیت بر استعاره دستوری گذرای ناشی از غلظت بالای واژگان نسبت به دستور است. هلیدی (۱۹۸۵/۱۹۹۴: ۳۴۲) بر این باور است که گزینش واژگانی تنها یکی از جنبه‌های گزینش واژگان دستور، یا واژه پردازی است و تنوع استعاری واژگان دستوری و نه فقط واژگانی است. بنابراین، در استعاره دستوری گذرای ما با تغییر فرایند سر و کار داریم که پیچیدگی دستوری آن بخاطر چیرگی غلظت واژگانی بر دستوری نسبت به دو استعاره دستوری وجهیت و اسم‌سازی چندان بالا نیست.

نکته مهم دیگر این که هلیدی و متیسن (۲۰۰۴: ۶۴۰) مدعی هستند که شیوه بیان استعاری^۱ با گفتمان‌های قدرت و اعتبار مرتبط است. آنها همچنین بر این باورند که استعاره اسم‌سازی احتمالاً ابتدا در سیاق‌های علمی و فنی پدیدار گشته است و به تدریج به حوزه‌های دیگر گفتمان بزرگسالان گسترش یافته است و استعاره اسم‌سازی نشانه اعتبار و قدرت است (۲۰۰۴: ۶۵۷). از منظر جامعه‌شناسی زبان، افراد با تحصیلات بالاتر سعی می‌کنند از ساختارهای زبانی با اعتبار بالاتری استفاده نمایند. کاربرد بیشتر انواع استعاره دستوری در گفتار افراد دارای تحصیلات دانشگاهی و تکمیلی در پژوهش حاضر نیز موید چنین تبیین‌هایی است. بنابراین چنین نتایجی از منظر جامعه‌شناسی زبان قابل تبیین است. همچنین داده‌های پژوهش مربوط به طبقه اجتماعی بدین شرح است: مقدار مجذور کای برابر با $37/89$ و درجه آزادی ۲ در سطح $0/000$ از لحاظ آماری معنی‌دار است. به بیانی فراوانی صورت‌های استعاری مورد استفاده در سه گروه طبقه اجتماعی متفاوت است. بنابراین طبقه اجتماعی هم در ایجاد تنوع نحوی نقش اساسی را ایفا کرده است. افراد از طبقات مختلف اجتماعی بیشتر از صورت‌های متجانس نسبت به استعاری استفاده کرده‌اند.

داده‌های پژوهش مربوط به تأثیر طبقه اجتماعی بر کاربرد انواع استعاری دستوری بدین شرح است: مقدار مجذور کای برابر با $37/89$ و درجه آزادی ۲ در سطح $0/000$ از لحاظ آماری معنی‌دار است. به بیانی فراوانی صورت‌های

^۱ grammatical mode

استعاری مورد استفاده در سه گروه طبقه اجتماعی متفاوت است و مقدار مجذور کای در استفاده از استعاره دستوری گذرایی برابر با ۱۲/۲۴ و درجه آزادی ۲ در سطح ۰/۰۰۲ از لحاظ آماری معنی‌دار است. همچنین مقدار مجذور کای در استفاده از استعاره دستوری اسم‌سازی برابر با ۲۰/۱۸ و درجه آزادی ۲ در سطح ۰/۰۰۰ از لحاظ آماری معنی‌دار است. بنابراین در کاربرد صورت‌های استعاری، طبقات اجتماعی بالا و متوسط نسبت به طبقه اجتماعی پایین از صورت‌های استعاری استفاده کرده‌اند که ناشی از اعتبار بالای استعاره دستوری است، به عبارت دیگر، طبقات متوسط و بالای اجتماعی بخاطر اعتبار بالای استعاره‌های دستوری از آنها بیشتر استفاده کرده‌اند. پدیده قابل ملاحظه از منظر جامعه‌شناسی زبان در پژوهش حاضر در زمینه تحلیل آماری طبقات اجتماعی تصحیح افراطی آماری^۱ است. اعتبار و ارزش اجتماعی رفتار زبانی طبقات بالا در یک جامعه سبب می‌شود که برخی از طبقات پایین‌تر، آن را به عنوان الگو مورد تقلید قرار دهند. مطابق بررسی‌های جامعه‌شناسان زبان، در میان طبقات مختلف یک جامعه، طبقه متوسط پایین نسبت به رفتار زبانی طبقات بالاتر حساسیت بیشتری نشان می‌دهد و بیش از سایر طبقات از ویژگی‌های زبانی آنها تقلید می‌کند. این گروه اجتماعی در این راه گاه تا آنجا پیش می‌رود که ویژگی‌های زبانی معتبر را حتی به میزان نسبی بیشتری از طبقات بالاتر به کار می‌گیرد. این پدیده‌ای است که تصحیح افراطی نامیده می‌شود (مدرسی، ۱۳۹۱: ۱۸۹). بنابراین در پژوهش حاضر طبقه متوسط (بر اساس تقسیم‌بندی طبقات اجتماعی به سه گروه پایین، متوسط و بالا) نسبت به طبقات بالا و پایین بسیار بیشتر از استعاره دستوری استفاده کرده است و در حقیقت طبقه متوسط در کاربرد استعاره دستوری در تقلید از طبقه بالا با بسامدی بیش از بسامد طبیعی آن در گفتار طبقه مورد تقلید خود عمل کرده است که این پدیده تصحیح افراطی آماری نامیده می‌شود.

کتابنامه

- احمدی، زینت (۱۳۹۳). تحلیل گفتمان انتقادی استعاره دستوری اسم‌سازی و وجهیت در گفتمان سیاسی فارسی و انگلیسی: رویکرد ون‌دایک. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه سمنان.
- چاوشی، مهسا (۱۳۹۰). کارکرد استعاره دستوری در زبان علم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- رضایپور، ابراهیم (۱۳۹۴). تحلیل انتقادی استعاره در گفتمان سیاسی روزنامه‌های داخلی. نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی، سال ۷، شماره ۱، شماره ترتیبی ۱۲، صص ۴۹-۶۴.
- مبارکی، ساجده (۱۳۹۱). استعاره دستوری در متون علمی و ادبی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه سمنان.

مدرسی، یحیی (۱۳۹۱). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- Halliday, M.A.K. (1978). "Anti languages". In: Halliday, M.A.K. (1978). *Language as Social Semiotic: The social interpretation of language and meaning*. London: Arnold. PP. 164-182.
- Halliday, M. A. K. (1988). "On the ineffability of grammatical categories". In J. J. Webster (ed.) *On Grammar*. Volume 1 in *Collected Works of M. A. K. Halliday*, 291-322. London and New York: Continuum.
- Halliday, M.A.K. (1994). *An Introduction to Functional Grammar*. Edward Arnold, London.

¹ statistical hypercorrection

- Halliday, M.A.K. (1996). On grammar and grammatics. In: Hasan, Ruqaiya, Carmel Cloran & David Butt (eds.) *Functional Descriptions. Theory in practice.* (Current Issues in Linguistic Theory, 121.) Amsterdam: Benjamins, 1-38.
- Halliday, M. A. K. (1998). Things and relations: regrammaticising experience as technical knowledge. In: Martin, J. R., Veel, R. (Eds.), *Reading Science: Critical and Functional Perspectives on Discourses of Science.* Routledge, London, pp. 185–236.
- Halliday, M. A. K. & Matthiessen, C. M. I. M. (2004). *An Introduction to Functional Grammar.* London: Arnold.
- Labov, W. (1969). Contraction, deletion, and inherent variability of the English copula. *Language* 45:715-762.
- Labov, W. (1972). *Sociolinguistic Patterns.* Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Ravelli, L. J. (1985). Metaphor, mode and complexity: an exploration of co-varying patterns. BA Honours thesis, University of Sydney.
- Ravelli, L. J. (1999). *Metaphor, Mode and Complexity: An exploration of co-varying patterns.* (Monographs in Systemic Linguistics, 12.) Nottingham: Department of English and Media Studies, Nottingham Trent University.
- Romero, E., & Soria, B. (2003). The notion of grammatical metaphor in Halliday. [Online] available: [http://www.u-gr.es/~bsoria/papers/Grammatical %20 Metaphor %20in% 20Halliday.PDF](http://www.u-gr.es/~bsoria/papers/Grammatical%20Metaphor%20in%20Halliday.PDF)
- Tagliamonte, S. A. (2012). *Variationist sociolinguistics: change, observation and interpretation.* Oxford: Wiley-Blackwell.
- Taverniers, M. (2003). Grammatical metaphor in SFL: A historiography of the introduction and initial study of the concept. In A. Simon-Vandenberg, M. Taverniers, and J. L. Ravelli (Eds.). *Grammatical Metaphor: Views from Systemic Functional Linguistics.* Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.
- Taverniers, M. (2004). Interpersonal grammatical metaphor as double scoping and double grounding. [http:// users.UGent.be/~mtaverni/](http://users.UGent.be/~mtaverni/)
- Thu Hiền, N. (2011). Nominalization as grammatical metaphor in political discourse in English and VietNameese from the perspective of systemic functional grammar.” [ttp://tainguyenso.vnu.edu.vn/jspui/handle/123456789/38673](http://tainguyenso.vnu.edu.vn/jspui/handle/123456789/38673)
- Wolfram, W. and Fasold, R. (1974). *The Study of Social Dialects in American English.* Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- Wolfram, W. (1969). A sociolinguistic description of Detroit Negro speech. Washington D.C.: center for applied linguistics.
- Xu, J. (2009). Interpreting metaphor of modality in advertising English. *English Language Teaching*, Vol. 2, No. 4, pp. 117-122.